

**فراخوان دهمین جشنواره بین المللی هنرهای تجسمی فجر**
**منتشر شد.**

**فرهنگی و هنری**

می‌کنند، لگویی برای حکومت در جهان اسلام.

علاوه بر فلسفه‌ی سیاسی، مباحثاتی درباره‌ی ارزش عقل هم از مشخصات آثار مسلمانان در این دوره بود. نخستین رمان عربی، فیلسوف خودآموخته (حتّی ابن یقظان)، تألیف این طفیل، پژوهشکی مسلمان از اسپانیا در قرن دوازدهم، بود. طرح داستان نوع عربی رایج‌نسون کروزو بود، و می‌توان آن را آزمایشی تخیلی دانست در این باره که چگونه یک موجود عاقل ممکن است چیزهایی درباره‌ی جهان بدون تأثیر هیچ عامل بیرونی بیاموزد. داستان کودکی تنها در جزیره‌ای دورافتاده که آهوپی او را بزرگ می‌کند، کودکی که به هیچ دین یا فرهنگ انسانی‌ای دسترس ندارد، تا این که با آدم مطروذی روبه‌رو می‌شود. بسیاری از مضامین کتاب (سرشت انسانی، تجربه‌گرایی، معنای زندگی، نقش فرد در جامعه) بازتاب دل‌مشغولی‌های فلاسفه‌ی اواخر عصر روشنگری، از جمله جان لاک و ایمانوئل کانت، است.

همچنین، باید مضمون جهان اسلام باشیم که یکی از نخستین داستان‌های علمی – تخیلی فمینیستی را ساخته و پرداخته است. داستان کوتاه «وُیای سلطان» (۱۹۰۵) نوشته‌ی رقیه سحارت حسین، نویسنده و کشتگر بنگالی، در سرزمین افسانه‌ای «لیدی‌لند» روی می‌دهد. در دنبال انقلابی که در آن زنان مهارت و قابلیت علمی‌شان را به کار می‌برند تا بر مردان چیره شوند، نقش‌های جنسیتی واژگون شده و دنیا به دست زنان اداره می‌شود. (مردان، از روی حماقت، آموزش زنان را به‌عنوان «کابوس رمانتیک» تعطیل کرده بودند)

حاصل آن جهانی بسیار صلح‌آمیزتر و



خوشایندتر است. در جایی از کتاب، سلطانا مردمی را می‌بیند که به او می‌خندند. راهنمای او توضیح می‌دهد:

– زن‌ها می‌گویند که رفتار تو مثل مردها به نظر می‌رسد.

گفتم: مثل مردها؟ منظورشان از این حرف چیست؟

منظورشان این است که تو خجالتی و ترسو هستی، مثل مردها.

کمی بعد، سلطانا کتجکوی بیشتری در مورد عدم توازن جنسیتی نشان می‌دهد:

– او پرسیدم: مردها کجا هستند؟

– همان‌جا که باید باشند، در جایی که برای آن‌ها ساخته شده است.

– تو را به خدا، بگو منظور از «جایی که برای آن‌ها ساخته شده» کجاست.

– آه، اشتباه از من بود، تو آداب و رسوم ما را نمی‌توانی بفهمی، چون قبلاً هرگز این‌جا نبوده‌ای، مر مدهایمان را در داخل خانه‌ها حبس کرده‌ایم.

در اوایل قرن بیستم، ادبیات تصوّرگرایی جهان اسلام به منزله‌ی شکلی از مقاومت در برابر نیروهای استعمار غربی پدیدار شد. برای مثال، محمود بلو کاکاگر، نویسنده‌ی

فراخوان دهمین جشنواره بین المللی هنرهای تجسمی فجر با هدف معرفی ایده‌های اصیل و آفرینش‌های تعاملی و خلاقانه هنری و همچنین با رویکرد معرفی آثار با قابلیت‌های نوین و تعامل گرا در قالب بهره مندی از یک یا چند رشته از ظرفیت‌های کلاسیک و جدید هنرهای تجسمی و ایده‌های اصیل و مفهومی هنرمندانه ، منتشر شد. مهلت ثبت نام در سبات ۲۴مرداد الی ۲۰ آذر سال جاری می‌باشد و علاقمندان می‌توانند جهت حضور در این رویداد هنری به سایت رسمی جشنواره دم به نشانی ivafestival.ir مراجعه کنند.

گفتنی است، دهمین جشنواره بین المللی ۳بهمن لغایت ۴اسفند در تهران برگزار می‌شود.

## داستان علمی – تخیلی در سنت اسلامی

نیچرپایی، رمان گاندوکی (۱۹۲۴) را نوشت که در آفریقای غربی متفاوتی روی می‌دهد؛ در این داستان، بومیان در مبارزه‌ای بر ضد استعمار بریتانیایی شرکت می‌کنند، اما در جهانی که پر از اجته و مخلوقات اسرارآمیز دیگری است. در دهه‌های بعد، به تدریج که امپراتوری‌های غربی فرو پاشیدند، اغلب نوعی بدبینی سیاسی به مضمون ارمان‌شهر سیاسی افزوده شد. برای مثال، محمد عزیز الحبابی، نویسنده‌ی مراکشی، در رمان اکسیر حیات (۱۹۷۴) به کشف اکسیری می‌پردازد که می‌تواند جلودانگی عطا کند. اما این اکسیر به جای آن که اکسیر امید و شادی برای جامعه به ارمغان آورد، به اختلافات طبقاتی، شورش‌ها، و ازهم‌پاشی بستر اجتماعی دامن می‌زند.

نوع داستانی باز هم سیاه‌تری امروزه در فرهنگ‌های مسلمان ظهور کرده است. احمد سعداوی در فرانکشستان در بغداد (۲۰۱۳) فرانکشستان را در عراق مدرن امروزی، در فضای ناشی از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از نو به تصور در می‌آورد.

در ایسن بازگویی، این هیولا از وصل کردن تکه‌های بدن کسانی که به سبب خشونت‌های قومی و مذهبی کشته شده‌اند ساخته می‌شود – و سراج‌مک دست به وحشی‌گری خاص خود می‌زند. در جریان کار، این رمان به کندوکاوی در بی‌معنایی جنگ و مرگ رهگذران بی‌گناه مبدل می‌شود.

در امارات متحده‌ی عربی، نورا العنمان رمان عجان (۲۰۱۲) را برای نوجوانان می‌نویسد. این رمان سفر یک زن جوان بیگانه از یک سیاره‌ی دیگر را که دوزیست است (هم در آب و هم در خشکی می‌تواند زندگی کند) دنبال می‌کند،

### دو رمان پلیسی دیگر در جهان کتاب

رمانی که عباس آگاهی از سیمون ترجمه کرده «مگره سرگرم می‌شود» نام دارد. این رمان یکی دیگر از رمان‌های سری آسار «کمیسر مگره» است.

در پشت جلد این کتاب چنین می‌خوانیم:

«سه سال می‌شد که مگره تعطیلات واقعی را تجربه نکرده بود. هربار که برای رفتن به سفر آماده می‌شد قضیه‌ای پیش می‌آمد که ناچار بود به آن بپردازد. این‌بار تصمیم گرفت به تعطیلات برود، بی‌آنکه از پاریس خارج شود! اما خیلی زود حوصلهٔ مگره از بی‌کاری سر می‌رود. چیزی نمی‌گذرد که خوانشن خبری در روزنامه‌ها را در گریز معمولی تازه می‌کند: کشف جسد زنی جوان در مطب یک پزشک

هنر آنلاین: انتشارات جهان کتاب هفتاد و دومین و هفتاد و سومین کتاب پلیسی‌اش را منتشر کرد. این رمان‌های پلیسی به ترتیب از ژرژ سیمون و فردریک دار هستند، که عباس آگاهی

آن‌ها را به پلیس برگردانده است. ژرژ سیمون و فردریک دار هر دو از نویسندگان مهم ژانر پلیسی به حساب می‌آیند. ژرژ سیمون به دلیل نوشتن رمان‌های پلیسی شهرت بسیاری دارد. از این نویسنده‌ی پر کار نزدیک به ۵۰۰ رمان منتشر شده است. او خالق شخصیت کمیسر مگره یکی از سرشناس‌ترین کارآگاه‌های ادبیات پلیسی جهان است. فردریک دار هم از خوانندگان فرانسوی و به‌نام پلیسی نویس است که طرفداران بسیاری در سراسر جهان دارد.

### پخش «لیسانسه‌ها»ی سروش صحت پس از محرم و صفر

تهیه‌کننده «لیسانسه‌ها» از پایان ساخت این سریال در شهریور ماه خبر داد و در عین حال درباره زمان پخش این مجموعه نکاتی را بیان کرد.
رضا جودی در درباره نگارش مجموعه «لیسانسه‌ها» که با توجه به نزدیک شدن به پایان ساخت این مجموعه به سرانجام رسیده است، اظهار کرد: ما دیگر به روزهای آخر کار تصویربرداری نزدیک می‌شویم و مجموعه تا یک ماه دیگر به اتمام می‌رسد اما با این حال سروش صحت و ایمان صفاری دیگر نوشتن پایان «لیسانسه‌ها» هستند.

او در عین حال تأکید کرد که ساخت «لیسانسه‌ها» تا آخر شهریور به طول بیاینجامد.
جودی سپس درباره پخش این مجموعه اعلام کرد: طبق قرار ی که با تلویزیون داشته‌ایم این مجموعه بنا است پس از ایام محرم و صفر پخش خود را از شبکه سه آغاز کند و زودتر از موعد آمادگی پخش ندارد.

این تهیه‌کننده در پایان دربار‌ه حضور بازیگران جدید در این مجموعه نیز اعلام کرد: بازیگران این مجموعه تغییری نداشته‌اند و البته قیقه‌نصیری به عنوان آخرین بازیگری است که به مجموعه «لیسانسه‌ها» ملحق شده است و مابقی همان بازیگران سابق هستند.

برای شرکت در بخش مسابقه جشنواره، متقاضی باید نمونه نوازندگی خود را به‌صورت فیلم (کیفیت مطلوب) با زمان سه تا پنج دقیقه به جشنواره ارسال کند.
از علاقه‌مندانی که به شرکت در جشنواره «دراب» تمایل دارند دعوت می‌شود فیلم نمونه اثر نوازندگی و تصویر کارت ملی خود را تا ۱۰ شهریور به نشانی: jashnvareh@ashn.ir ارسال کنند.

کیفیت فیلم‌های ارسالی در حد گوشی‌های همراه، قابل قبول است.
دبیرخانه جشنواره در ساعت‌های اداری با شماره تلفن‌های ۶۶۳۳۳۱۱۹ و ۶۶۳۰۴۷۱۱ پاسخگوی پرسش‌های علاقه‌مندان خواهد بود.



#### نصب کاشی ماندگار سر در خانه «عباس کیارستمی»

سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری را ارزشمند دانست و افزود: ارزش این کار در آن است که این کاشی‌ها بر سردر خانه از آرتسنه از بزرگان عرصه فرهنگ به‌عمل می‌آوردند اما ارزش و ویژگی نصب «کاشی ماندگار» بر سردر خانه مشاهیر و هنرمندان در آن است که سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری حقی برای خود ایجاد نمی‌کند.

## مستقل

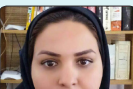


پنج‌شنبه ۲۶ مرداد ■ شماره ۲۱۴

یاد

یادی از سعدی افشار

#### خود را سیاه کرد اما سیاه نمایی نکرد



الهام ریئسی‌فردا نیه– روزنامهنگار

«آخرین بازمانده هنر سیاه بازی در ایران درگذشت» عنوان خبری بود در سال ۹۲ که حتی برای کسی که سعدی افشار را نمی‌شناسد هم دردناک بود و هست . بازمانده یک هنر، چند نسل و تنها نمونه زنده بخشی از خاطرات قدیمی پدران و پدربزرگ‌هایمان.

سعد الله رحمت خواه (ملقب به سعدی افشار) آخرین بازمانده بازیگر کمدی ایرانی بود که به سیاهبازی یا تخته‌حوضی شناخته می‌شد. او در ۳۰ فروردین ۱۳۹۲ بعد از تحمل یک دوره طولانی بیماری به علت عفونت ریوی و پوکی استخوان در خانه شخصی خود در تهران درگذشت. هم زمان تئاتری از او به اسم فیس پوک روی صحنه بود. همیشه با حسرت می‌گفت:

«خانه‌های قدیمی خراب شده و دیگر حوضی وجود ندارد. دیگر چه تئاتر تخت حوضی؟ بریم روی پشت بام تئاتر تخت حوضی اجرا کنیم؟»

سعدی افشار متولد ۱۳۱۳ است و تا ششم ابتدایی درس خوانده، برای نخستین بار در سال ۱۳۳۰ روی صحنه رفت. با گرفتن نقشی کوچک در تئاتری از اسماعیل مهرتاش وارد تئاتر حرفه‌ای شد و با چندین سیاه‌باز معروف تئاترهای لاله زار از جمله مهدی مصری، حسین یوسفی، ذبیح الله ماهری و رضا عربزاده همکاری داشت. سعدی افشار با پایه گذاری یک گروه تئاتری، مدتها در سالن تئاتر نصر به هنرنمایی پرداخت. این سالن چندسال پیش تعطیل شد.

نخستین نمایشی که «سعدی افشار» در آن به صورت جدی در نقش سیاه حضور پیدا کرد، «نادر» نام داشت و در واقع به دلیل حضور پیدا نکردن «حسن شریفی» در این نقش از افشار خواستند تا آن شب در آن نقش «سیاه» شود و برای بازی در آن نقش پنج تومان انعام گرفت هر چند که دست‌مزد بهترین سیاه در آن ایام بیست تومان بود ولی سعدی با گرفتن آن انعام از همان روز تا نیم‌قرن بعد در نقش سیاه ماندنی شد. او تنها بازمانده سیاهبازی در ایران شناخته می‌شد. در شامگاه ۱۹ اسفند ماه سال ۱۳۹۱ مراسم «سیاس از سعدی افشار» در شرایطی برگزار شد که بسیاری از هنرمندان مطرح که نامشان در خبرها آمده بود در این برنامه حضور نداشتند و تعدادی از آن‌ها در مراسم تقدیر از هنرمندان درگذشته که در تماشاخانه ایرانشهر برپا بود، حاضر بودند. ساعتی پیش از آغاز برنامه، بار دیگر پیامکی دروغین با مضمون درگذشت این هنرمند منتشر شد. در این برنامه که در باغ موزه قصر برگزار شد، کاظم هزیر آزاد، رئیس انجمن بازیگران خانه تئاتر، به نمایندگی از ایرج راد، مدیرعامل این تشکل صنفی که در مراسم تقدیر از هنرمندان در گذشته حضور داشت، نشان ویژه خانه تئاتر را به سعدی افشار تقدیم کرد. هزیر آزاد از گروه کرد سایه سعدی افشار تا سال‌های سال بر سر فرهنگ و هنر ایران کمرشده باشد و تجربیات او به نسل جوان منتقل شود.

همچنین حمید مظفری، دیگر کارگردان و بازیگر تئاتر، با حضور روی صحنه خاطراتی از اجرای سعدی افشار در شیراز گفت. هرزمان که او بخشی از خاطره را به یاد نمی‌آورد، سعدی افشار آن‌بخش‌ها را یادآوری می‌کرد. حمید مظفری از طرف جشنواره تئاتر «شمسه» لوح تقدیر و مبلغ ۵۰۰ هزار تومان را به سعدی افشار تقدیم کرد. همچنین محسن حسن زاده مدیر روابط عمومی مجموعه تئاتر نصر، به نمایندگی از سید صادق موسوی مدیر این مجموعه، لوح تقدیر دیگری را به این هنرمند سیاه باز اهدا کرد.

اهدای لوحی از سوی تماشاخانه سنگلج از دیگر برنامه‌های این مراسم بود. صادق عاشورپور، پژوهشگر پیشکسوت تئاتر، این لوح را به نیابت از اتابک نادری، مدیر سنگلج که در شهرستان بود، به سعدی افشار اهدا کرد. در تمام مراسم‌هایی که برای حمایت از این هنرمند بیمار کشور برگزار شد فقط تعداد زیادی لوح تقدیر به وی اهدا کردند اما کل مبلغی که برای کمک به او جمع شد، هزینه یک هفته آمبول‌هایش هم نبود. فتحعلی بیگی(پژوهشگر تئاتر ) در خاکسپاری او گفت : او حاضر جواب بود و حرف را به موقع می‌گفت ، کلام را گران می‌فروخت اما به موقع، هرگز دیر نمی‌آمد، بسیار متواضع بود و اگر از هنرمندی انتقادی داشت به روی او نمی‌آورد. سعدی جزو معدود هنرمندانی بود که در تمام نقاط ایران برای مردم نمایش اجرا کرد و در نوع کار خود حرفه‌ای بود. این کارگردان تئاتر خاطر نشان کرد: «سعدی» خود را سیاه نمی‌کرد که سیاه‌پوستان را دست می‌اندازد بلکه رنگ سیاه او رنگ دانایی بود، او تنها سیاهبازی نمی‌کرد هرچند این ویژگی به مرور در زندگی شخصی او هم اثر گذاشت.

**کتاب «عالیجناب سیاه» درباره سعدی افشار، برگ سیزی در سیاهبازی ایران**

کتاب «عالیجناب سیاه» که به بیان زندگی و خاطرات سعدی افشار» می‌پردازد، در ۱۳۶ صفحه توسط خانم «لاله عالم» به نگارش درآمده و نشر «پوینده» آن را چاپ کرده است. این کتاب با مقدمه‌ای از «دکتر قطب‌الدین صادقی» بوده به تازگی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. لاله عالم با اشاره به این که کتاب «عالیجناب سیاه» بیوگرافی «سعدی افشار» از زبان خود اوست، گفت: «من در این کتاب با خود عهد کردم امانت دار خوبی باشم و گفته‌های سعدی افشار را صدقانه امانت داری کنم. در کتاب بخش‌های توضیحی نیز وجود دارد که خودم با مطالعه روی نمایش‌های ستن آن را نوشته‌ام».

دکتر قطب‌الدین صادقی در مورد سعدی افشار نوشته است: «سعدی افشار در تاریخچه نمایش روحوضی معاصر ایران یک استثناست. او چهره‌ای جذاب، خلاق، هوشمند و بسیار مردمی است که خلاقیت‌های پنجاه سال اخیر نمایش روحوضی بدون حضور و کار و نام او معنا ندارد».

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

«می‌خواهم خاطره دیگری برایتان تعریف کنم که مربوط به یافتن سوژه است. به همراه چند نفر از دوستانم برای یافتن سوژه مناسب به امین آباد رفته بودم. یکی از دوستانم که تحصیل کرده بود با کیف سامسونیت در دست آمده بود. نزدیک در خروجی انگهان یک نفر به سمت ما دوید و مقابلمان ایستاد و گفت آقایان خواهش میکنم نروید و با خواهش و تمنا ما را برگرداند. در ادامه او گفت شما را به خدا قسم می‌دهم که حرف‌هایم را گوش کنید. من سالمم، دیوانه نیستم. برایم پاپوش درست کرده اند شما را به خدا یک نفر به صحبت‌های من گوش کند. بعد سرش را چرخاند به سمت همان دوستانم که کیف سامسونت دستش بود و گفت : آقا شما از قیافتهات و از این کیفیت معلوم است که شخص مهمی هستی، شما حتماً کارهای حسنیتد یا روزنامه‌نگاری یا به هر حال شغل مهمی داری. چرا باید من اینجا اسیر باشم و زن و بچه ام آواره خیابان‌ها باشند. تو را به خدا ماجرای مرا گوش کن و اگر کاری از دستت بر می‌آید برایم انجام بده و تو را به خدا به داد من برسد. کسی به حرف‌های من گوش بدهد، ما گفتیم بسیار خوب ما حرف‌های تو را گوش میدهم و هر کاری از دستانم برآید برایت انجام می‌دهیم. او گفت: …»

مرتضی احمدی در وصف شرح حال سعدی افشار نوشته بود: «سعدی افشار پدیده هنر تخت حوضی است. درینا که این زنده هنرمند مردمی در غوغا و هیاهوی بی‌هنران به کنجی گریخته، بسته لب مانده و در نداری و تنگ‌دستی تنهای تنها است.»

